



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۱۲/۲۲

عبدالقیوم میرزاده

## ممنوعیت تحصیل زنان

اخبار حاکیست که وزارت (تحصیلات عالی) طالبان طی نامه شماره ۲۲۷۱ مورخ ۲۹ قوس خویش درب پوهنتون ها و مراکز تحصیلات عالی را نیز بروی دختران و زنان کشور ما بستند. یکعده دختران و زنان کشور با اعتراضات خیابانی نفرت و انزجار شان را از این فیصله ضد انسانی طالبان ابراز کردند که در بسیاری از موارد با عکس العمل خشونت بار طالبان مواجه گردیدند. همچنان محصلین ذکور عده از مراکز تحصیلی غرض حمایت از داعیه برحق دختران و زنان کشور از ادامه تحصیل ابا و ورزیدند. همچنان عده محدودی از اساتید موسسات تحصیلات عالی با کمپاین استعفا نفرت و انزجار شان را با این فیصله غیر انسانی و غیر شرعی طالبان تبارز دادند.

قابل ذکر میدانم که در ماه سپتمبر سال روان مقاله از این قلم زیر عنوان «در حمایت از رستا خیزدختران و زنان و ولایت پکتیا» منتشر گشت. در همانزمان با تأکید نوشتم: «اگر باسواد، روشنفکر و روشنگر ما متعهد و متحد عمل میکرد، بسیار لازمی و ضروری بودتا با استفاده مؤثر از همین فرصت غیمت و اکنتش مدنی دختران و زنان و ولایت پکتیا، با یک نهیب متحدانه دختران و زنان همه کشور را به جاده ها میکشانند و تظاهرات مدنی را برای بازگشایی مکاتب در سراسر افغانستان سمت و سوی آگاهانه میدادند و از صدای مردم برای تأمین حقوق حقه شان پاسداری میکردند. ماهمانطوریکه در زمان سیطره امریکایان در افغانستان شاهد ثبت و راجستر رسمی بیش از صد حزب سیاسی در کشور بودیم که غیر از اینکه دهن جوال را با مافیا ها، غاصبین و قوماندانان زورگوی گرفتند و دقیقاً در خط مقابل خواسته های مدنی مردم قرار داشتند، کمترین کار مفیدی برای جامعه دردمند ما نکردند. حالا نیز هر روز شاهد ده ها و صد ها مجالس آنلاين و گروپ های انترنتی هستیم که نا مهی بسیار جذاب اجتماعی - سیاسی بخود اختیار کرده اند ولی در عمل توانمندی کشاندن صد نفر را در عقب شعار هاییکه از صبح تا شام قافله میکنند ندارند.

با این اشاره مختصر میخواهم توضیح کنم که آنچه در این مسئله و سایر مسایل دادخواهانه، اعاده حقوق و آزادی های مردم و مطالبات اجتماعی کشور ما از اهمیت فراوان برخوردار است، همانا عدم اتحاد و یکپارچگی ملت است که حرکت های نهایت مناسب و بموقع اتفاق میافتد ولی مردم ما خاصناً افشار سیاسی، اجتماعی آگاه و نیرو های متشکله جامعه مدنی از این فرصت ها هیچنوع استفاده کارا برای اتحاد مردم برای تأمین حقوق، آزادی ها و مطالبات مدنی مردم نمیکند.

این است خصوصیت ذاتی جامعه منفعل ما که ما نتوانسته ایم آسیب های اصلی جامعه خویش را شناسایی کنیم. بیسواد و با سواد جامعه ما تقریباً منفعل است و یا در بسا حالات بیسواد از نا فهمی و با سواد فهمیده زنجیر غلامی بر گردن انداخته و تیشه بر ریشه کشور و ملت خویش میزنند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

در حالیکه همه کشور یکسان در این آتش استبداد میسوزد، چرا ما متحدانه در سراسر افغانستان از همچو اقدامات دادخواهانه مانند زنان در پکتیا و یا تظاهرات زنان پایتخت برای اعاده حقوق شان حمایت نمی کنیم. منفعلانه نظاره می کنیم که چگونه این اقدامات مدنی سرکوب خونین میگردد. چه جهالت و نا انصافی بزرگی است که در زیر شعار های کاذب دشمنان داخلی و خارجی کشور همه چیز را از عینک تعصبات قومی و محلی ببینیم و برویش رنگ تعصب بیافکنیم و خود را فارغ بال از مسئولیت اخلاق اجتماعی بشماریم.»

بنام مشکل اصلی جامعه ما از یکطرف بیسوادی و ناآگاهی اکثریت مردم، در سایه این نا آگاهی عدم درک مردم از منافع ملی و نبود اتحاد ملی برای تأمین منافع ملی که محرومیت زنان جامعه ما از تحصیل و مشارکت اجتماعی منحصبت مهمترین اصل تأمین منافع همگانی میباشد.

ما زمانی به این امر نایل میگردیم که مردم ما با سواد، آگاه و بیدار گردند. زنان نه تنها نیم جامعه ما را تشکیل میدهند بلکه آن نیم دیگر را نیز همان زن تولد و رشد داده است. اگر این نیمه آگاه و بیدار میبود ما دیگر طالب متحجر، مجاهد وطن فروش و دزد و قاچاقبر بسیار به ندرت میداشتیم.

در لابلای عکس العمل های داخلی و جهانی در قبال محرومیت زنان افغان از حق تحصیل در پوهنتون ها به بسیار جملات زیبا در تقبیح این عمل ضد انسانی طالبان روبرو گشتم. اما به نظر من همه این عکس العمل ها و جملات زیبا بسیار عوامفریبانه و نمک پاشی بر زخم های مردم افغانستان است. زیرا همه این مراجع و کشور ها بدون استثناً مشترکاً دست بدست هم داده و گروه تروریست متحجر را با همه کارنامه های تروریستی و ضد انسانی شان خلاف تمام نورم های حقوق بین الدول با تهدید، زور و شانتاژ برملت خواب برده ما حاکم ساختند و حالا اشک تمساح ریخته و بر زخم های مردم ما نمک میپاشند.

در وضع موجود به این نتیجه میرسیم که با سواد سازی جامعه، آگاه سازی و بیداری مردم در سر خط وظایف هر انسان متعهد و روشنگر و همه مردم ما قرار داشته و در شرایط حاضر با هر وسیله و امکان دست داشته متحدانه از داعیه برحق اعاده حقوق زنان کشور ما منجمله حق مشارکت اجتماعی، حق تحصیل تا تحصیلات پوهنتونی آنان پشتیبانی عملی کنیم. حالا زمان آن رسیده است که همه مردم مایک صدا متحدانه در یک عکس العمل اعتراضی دست از کار کشیده به استثناً چند سکتور حیاتی چون مواد غذایی و صحت عامه همه دستگاه اداره طالب را فلج سازند. کمپاین استعفای استادان و بایکات تحصیلی جوانان ذکور گرچه عرصه را بیشتر برای عناصر متحجرو تروریست پرور باز میگرداند ولی در شرایط حاضر ضروری است تا از هر امکان و وسیله بر علیه اقدامات ضد انسانی طالبان استفاده بعمل آید. آنچه در این راستا از اهمیت بیشتر برخوردار است نباید فریب شعار های (انساندوستانه) خارجیان را بخوریم و در صدد همکاری و جلب آنها به مسایل کشور ما باشیم. آنها همه مسئول این همه جنایت سازمان یافته در کشور ما هستند. در اینجا نمی خواهم موضوع رعایت حقوق بشر را بمیان کشیده و بحث را به درازا بکشانم اما به یقین ادعان میدارم که همه خارجیان به شمول موسسه ملل متحد در شرایط حاضر هرگز تحت هیچ شرایطی منافع مردم را در نظر ندارند. آنها از هر نوع شرایط برای تحقق اهداف سیطره جویانه خودشان بهره برداری میکنند و ملت ما را به مشکلات بیشتر تا سرحد جنگ داخلی سوق خواهد داد.